

## انتقاد کتاب

فریدون رحیمی لاریجانی

### تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشیان

از م. ا. داندایف

ترجمه‌ی میرکمال نبی پور . تهران - نشر گستره - ۱۳۵۸

این کتاب همانطور که خود مترجم عنوان کرده است، فصلی ارکتابی است تحت عنوان "مقالاتی درباره‌ی تاریخ هخامنشیان" که به اهتمام استاد آلمانی پروفیسور گروند والزر (Gerold Walser) - دانشگاه برن سویس - در سال ۱۹۷۲ تا مقدمه‌ای بقلم خود ایشان، توسط مؤسسه‌ی انتشاراتی Franz Steiner Verlag در شهر ویسبادن آلمان فدرال بچاپ رسیده است.

در این مجموعه علاوه بر دو استاد نامبرده، استادان: والتر هینس (Walther Hinz)، ژاک دوشرن - گی ی مان (Jacques Duchesne-Guillemin)، فرای (Richard N. Frye) و ژوزف هوف اشتتر (Jpsef Hofstetter) به ترتیب مقالات "منابع جدید تاریخ هخامنشی" و "مذهب هخامنشیان" و "سازمان‌ها و نهادهای دولتی و اجتماعی هخامنشی" و "درباره‌ی هیئت‌های سفارتی یونانی در ایران هخامنشی" را نوشته‌اند. مقالات بریان مادری هر استاد است. فقط مقاله‌ی استاد داندایف توسط ل. هولن اشتاین (L. Hollenstein) - برن - از روسی به آلمانی ترجمه شده است.

این کتاب بر اثر مساعی این پژوهشگران آزموده، سطحی عالی از تحقیقات جدید را درباره‌ی دوره‌ی مورد نظر بازتاب می‌کند. بنابراین چه خوب بود که مترجم به این

مقالات هم اشاره میکرد، و چه خوبست اگر قسمتهای دیگر این کتاب هم ترجمه شود. محمد ا. داند اما یف در ایران چهره‌ی ناشناخته‌ای نیست. کتابی از ایشان تحت‌عنوان "هخامنشیان اولیه" تاکنون به فارسی ترجمه شده است که گویا معرف حضور مترجم یا ناشر کتاب حاضر نبوده است. چون در مقدمه ضمن اشاره به "تاریخ ماد" دیاکونف و مقاله شادروان محمدعلی خنجی "تاریخ ماد و منشاء نظریه دیاکونف" بعنوان دواثر مهم در بررسی تاریخ ماد و هخامنشی از آن یاد نشده است. بنظر اینجانب علاوه بر این چند اثر، مطالعه‌ی تحقیقات زیر که خوشبختانه توسط استادان بزرگی به فارسی برگردانده شده است، برای مطالعه‌ی این دوره از تاریخ ایران هم ضروری میباشد.

- ۱ - اومستد، امیراطوری هخامنشی، ترجمه‌ی دکتر مقدم
- ۲ - فرای، میراث باستانی ایران، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا
- ۳ - گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه‌ی دکتر محمد معین
- ۴ - دیاکونف، تاریخ ایران باستان، ترجمه‌ی روحی ارباب
- ۵ - ف. آلتهایم - ر. اشتیل، زبان آرامی در دوره هخامنشی، نگارش دکتر ماتسوخ مجله دانشکده ادبیات تهران دوره‌ی ۹ و ۱۰

در این جا شاید بی‌مناسبت نباشد که به کتاب آقای انصاف‌پور "تاریخ زندگی اقتصادی روستاییان و طبقات اجتماعی ایران" جلد اول هم اشاره کنم. هرچند کار ایشان بیشتر جمع‌آوری نقل قولهای پژوهشگران دیگر است و سهم ایشان فقط تنظیم آنهاست با اینحال مطالعه‌ی آن درست به علت متد جمع‌آوری و تنظیم نقل‌قولها بسیار جالب و سودمند است.

متأسفانه یادداشت‌ها که عملاً "کتابشناسی دوره‌ی موردنظر هم میتوانست باشد، ترجمه نشده در آخر کتاب آورده نشده است. چه بهتر بود که آن هم ترجمه میشد. چون اغلب حاوی اطلاعات و نکات جالب و تکمیل‌کننده متن میباشد. البته ترجمه‌ی این قسمتها معمولاً مشکلتر است و وقت و حوصله‌ی بیشتر میخواهد و احتمالاً "بکمک مترجمین دیگر هم نیاز دارد. با اینحال اگر بخواهیم کارها را جدی بگیریم و امر پژوهش را در هر سطح واقعاً "جلو ببریم، دقت و حوصله و همکاری از شروط اولیه‌ی کار است. در متن اصلی حواشی در زیر متن آورده شده که البته از نقطه‌نظر تکنیک چاپ مشکلتر و خرج آن

هم بیشتر است، ولی در عوض امکان کنترل را آسانتر میکند، هرچند بعضی‌ها معتقدند که آن مانع از تمرکز در مطالعه‌ی خود متن میشود.

دانداما یف چون سایر مورخین شوروی بیشتر به مسائل اقتصادی - اجتماعی توجه دارد و امروز هم بطور کلی این مباحث است که هستهٔ بررسیهای تاریخی را تشکیل میدهد. این حقی است که تاریخ نگاری شوروی بر مورخین جهان دارد. هرچند در موارد زیادی بعلت حرکت از مواضع دکماتیکی نتایج تحقیق آنطور که باید نیست. بنظر اینجانب همین مسئله در مورد پژوهش ایشان هم تا حدی صادق است. قبلا" باید عرض کنم که تحقیقات دانداما یف بیشتر مربوط است به بابل دوران هخامنشی چون منابع در این زمینه بیشتر است، با اینحال میتوان با فراموش نکردن اصل ناموزونی تکامل اجتماعی - اقتصادی در رایش هخامنشی نتایج کارهای ایشان را تا مقداری تعمیم داد.

و اما نظریه‌ی کلی ایشان درباره‌ی گروههای عمدهٔ جامعه‌ی هخامنشی که عملا" به بحث درباره‌ی فرماسیون و شکلبندی اقتصادی - اجتماعی این دوران منجر میشود: در صفحه‌ی ۲۵ کتاب حاضر میخوانیم: "در شرق باستان، جامعه از سه گروه اجتماعی، شهرنشینان با حقوق کامل، مردم وابسته (مقید تابع) و بردگان تشکیل میشود." این سؤال که اکثریت مردم از کدام دسته هستند و شیوهٔ تولید در شکل عمده‌ی خود به چه صورتی بوده است در اینجا و جاهای دیگر این کتاب مثلا" ص ۱۸ و ۱۹ که در باره‌ی "ikkaratu" (نوعی از کشاورزان) بحث میشود، مسئله معلق میماند. ولی دست آخر تلویحا" القاء میشود که شیوه‌ی عمدهٔ تولید کار مبتنی بر بردگی است. این نظریه با آوردن فصلی در "برده‌داری" ص ۳۵ - ۲۵ عملا" تقویت میشود. و این همان تزی سابق مورخین شهری است که میخواهند نظام برده‌داری را علیرغم این واقعیت که اکثریت تولیدکنندگان بلامانع در شرق کشاورزان دهنشین هستند، بکرسی بنشانند.

بجای مطرح کردن نظریه‌ی "بردگی با خصوصیات ویژه‌ی شرقی در هر حال بهتر و دقیقتر است اگر این جامعه را در مجموع جامعه‌ای کشاورز نشین و شرقی بنامیم که در آن برده‌داری بطور پدیده‌ای جنبی وجود دارد. عملا" هم موارد این کتاب اگر در آن دقیق شویم بیشتر حاکی از این مسئله خواهد بود. اما دانداما یف به هر حال با مطرح - کردن سیستم برده‌داری پدر سالاری برای دوران آغاز سلطنت هخامنشیان (ص ۲۸) با

نقل قولی از کتاب "اخلاق نیکوماخوسی" ارسطو (یادداشت ۷۴) می‌خواهد بردگی خانوادگی و پدرسالاری را اثبات کرده به برده‌داری بمفهوم - کم و بیش - یونانی آن برسد .

این نقطه نظر ارسطو البته از آنجا که مفهوم "آزادی" در ایران و یونان مختلف بوده ضرورتاً "دلیل اثبات" برده‌داری خانوادگی نیست . همچنین دو واژه ( - bandaka ) و ( - marika ) را در این رابطه معادل برده (یادداشت ۷۵) تلقی - کردن ، کمکی به اثبات تر بالا نمیکند . چون این هر دو واژه‌ی سوسیولوژیکی بیشتر حاکی از وابستگی‌ی علائقی و خدمت است تا غلامی .

نظریه‌ی نظام بردگی برای شرق امروز حتی از جانب تمام مورخین بلوک شوروی مورد تأیید نیست و حتی این تر مطرح میشود که جامعه‌ی شرقی بدون اینکه از مرحله‌ی بردگی بگذرد - که فقط اختصاص به بخش کوچکی از جهان داشته - به فئودالیسم رسیده است . در هر حال در این زمینه‌ها جای بحث زیادی باقی است . بدین منظور هم توجه خوانندگان را به مقالات فارسی زیر جلب میکنم .

۱ - پیرامون شیوه تولید آسیائی . بنگاه انتشارات مزدک شماره ۱۸ (شامل چند مقاله از: پویان و خنجی و وارگا و اسحق و نشریه‌ی توفان)

۲ - احمد اشرف ، نظام فئودالی یا نظام آسیائی ، مجله‌ی جهان نو سال ۲۲ (۱۳۴۶) شماره‌های ۷ - ۵ و ۸ .

۳ - احسان طبری ، برخی بررسیها درباره "جهان بینی‌ها و جنبش‌های اجتماعی در ایران ۱۳۴۸ (دو مقاله‌ی اول: "ویژگیها و دگرگونیهای جامعه‌ی ایرانی در پویه‌ی تاریخ" و "ویژگیهای جامعه‌ی ایران پس از اسلام")

در هر حال در بررسیها ، باید در درجه اول به دهنشینی و جماعات دهات بمثابه واحدهای اساسی زندگی روستائی و حیات اقتصادی توجه کرد و علاوه بر این زندگی ایلاتی را هم فراموش نکرد .

در مورد واحد ده و سازمان ده و اثر تعیین کننده آن در عصر هخامنشیان و دوران هلنیستی توجه شما را به دو مقاله زیر جلب میکنم .

1. Briant, Pierre, *Villages et communautés villageoises d'Asie achéménide et hellénistique*.  
Journal of the Economic and Social History of the Orient, Vol. XVIII, Part II,  
1975 pp. 165–188

بریان، پییر (تولوز) "دهات و جماعات دهی در آسیای هخامنشی و هلنیستی" مجله  
تاریخ اقتصادی و اجتماعی مشرق زمین، جلد هجدهم، قسمت دوم (ژوئن ۱۹۷۵)

2. Kreissig, Heinz, *Boden und Abhängigkeit im Orient in der hellenistischen Epoche*  
Jahrbuch für Wirtschaftsgeschichte 1975 / II S. 101–116

کرایسیک، هینتس (برلین - آلمان دموکراتیک) "زمین و مسئله وابستگی تولیدکنندگان  
بلامانع در مشرق زمین در دوره هلنیسم" سالنامه تاریخ اقتصاد ۱۹۷۵ قسمت دوم  
ص ۱۰۱-۱۱۶

ترجمه در مجموع خوبست. ولی بنظر اینجانب فارسی آن ضعیف است. اشتباهاتی  
رویداده که با احتمال زیاد تا مقداری مربوط به حروفچینی و چاپ است. و تا مقداری هم  
بعلت عجله در امر ترجمه و چاپ. بهتر بود که مترجم ترجمه را یکبار دیگر دقیق مطالعه  
میکرد و در ضمن با اصطلاحات مختلف اقتصادی و حقوقی و بطور کلی رشته‌های بیشتر آشنا  
میشد. در یک مورد اشتباه بزرگی رویداده است و آن ترجمه فعل‌های *Pachten* اجاره  
کردن زمین مزروعی و *verpachten* اجاره دادن آن میباشد که مترجم بجای آن "به  
رهن گرفتن"، "به رهن دادن" و غیره را بکار برده است. بنابراین در اکثر مواردی که  
"رهن" بکار رفته است باید اجاره و ترکیباتش آورده شود مگر جایی که منظور "گرو"  
است. این موارد در زیر اصلاح شده است.

در متن آلمانی پس از پایان موضوعی، مطلب جدید مجدداً از سر خط شروع میشود  
تا مسائل بهتر از هم تفکیک گردد. این مسئله در مواردی ضروری که بفهم مطالب کمک  
میکند مراعات نشده است.

در حروفچینی لاتین اشتباهات عدیده‌ای رویداده است. همچنین به علائم  
فزاردادی بالا و زیر بعضی حروف اصلاً توجه نشده. نیمی از یادداشت ۳۸ به چاپ  
نرسیده و یادداشت "۸۵" کلاً فراموش شده است.

در هر حال ما توجه خوانندگان را به مطالب زیر جلب میکنیم .

ص ۷ سطر ۵ منضم درست است .

ص ۸ سطر ۱۵ و ۱۳ باید بجای "اوتاشی" و "پاشی" اوشتانی ( *uštani* ) نوشت .

سطر ۱۲ عدد یادداشت ۱۵ بالای "فرت" افتاده .

سطر ۱۳ یادداشت ۱۶ است .

ص ۱۰ سطر ۳ پس از "بندرت دخالت میکرد" باید اضافه شود: "این ایالات بکمک

شاهان محلی و رؤسای قبایل خودی اداره میشدند ."

ص ۱۱ سطر ۱۳ هزار پت (هزار بد) درست است .

سطر ۱۸ - ۱۶ در مقابل واژه‌های دیوانسالار، خزانه‌دار، جارچی، حسابدار و

قاصی تحقیق در متن آلمانی لاتین آن هم آورده شده که بقرار زیر است :

1. be'el te'em 2. ganzabara 3. azdākara 4. hamār̄kara 5. frasaka

بهتر بود در ترجمه هم این اصل مراعات میشد تا خواننده با این اصطلاحات

قدیمی آشنا شود .

ص ۱۴ سطر ۱ بجای "قوانین فردی بابلی" "قوانین بابلی مربوط به حقوق فردی" را

پیشنهاد میکنم .

سطر ۳ از پائین بدین ترتیب اصلاح شود: " به خطهای آرامی و دموتی نگهداری

شد . اگر بر مبنای اسناد حقوقی مربوط بامور معاملاتی قضاوت کنیم "

ص ۱۷ سطر ۵ از پائین بجای "گنجه" کنجد است . صفت "بزرگ" برای نخود بيمورد

است .

البته در متن آلمانی *Erbse* آمده است که نخود فرنگی باشد و نه *Kichererbse*

نخود که از قدیم الایام در ایران کشت میشده است . اشتباه باید در ترجمه به آلمانی

باشد که واژه روسی *ropox* را معادل نخود فرنگی گرفته است .

سطر ۴ از پائین (همچنین سطور زیر آن و صفحه بعد) بکار بردن واژه قنات بجای

لغت *Kanal* که در متن آلمانی بکار رفته است غلط است . احتمالاً " میتوان قنات

را برای نهر سرپوشیده و یا نقب آب از رودخانه بکار برد ولی معمولاً منظور کاریز

است ما بخوبی میتوانیم برای "*Kanal*" از واژه‌های نهر و کانال استفاده کنیم .

ص ۱۸ سطر ۱۳ واژه Stand که در متن در معنی معادل "قشر اجتماعی" بکار رفته است به غلط "وضع" ترجمه شده است.

ص ۱۹ سطر ۲ "ایلات" نیست بلکه "بلاد" یا "ولایات" است.

ص ۲۱ سطر ۹ "امر" (Emmer) را در فارسی گندم غلافی و یا دیو گندم باید ترجمه کرد. این گندم یکی از انواع نازل و ابتدائی گندم امروزی است.

سطر ۱۵ بعد از یادداشت ۵۱ باید اینطور ترجمه شود. "علاوه بر این، نهرهای بزرگ زیادی به شاهنشاه تعلق داشت<sup>۵۱</sup> و مباشر آن معمولا" این آنها را به اجاره میداد. در اطراف نی‌پور نهرهای شاهی از طرف تجارتخانه‌ی مورشو اجاره شده بود و این تجارتخانه هم بنوبه‌ی خود آنها را به گروه‌های تعاونی متشکل از زمینداران کوچک اجاره داده بود." در متن اشاره میشود به یک نوع گروه تعاونی و نوعی سازمان دسته‌جمعی برای انجام کاری که در ترجمه نیامده است. این اشتباهات نباید رخ دهد چون توجه به چنین واحدهای همکاری دسته‌جمعی احتمالا" میتواند به کسانی که بدنبال تاریخچه‌ی اشکال تولید زراعی دسته‌جمعی در تاریخ ایران هستند، کمکی باشد. در این کتاب علاوه بر این شکل از اشکال دیگر همکاری و کار دسته‌ای در کشاورزی صحبت شده است.

ص ۲۶ سطر ۵ از پائین بجای "دوازده شکل" پیشنهاد میکنم "دوازده واحد شقل" (ماتسوخ، زبان آرامی "شقل" مینویسد.)

سطر ۲ از پائین باید این طور ترجمه شود. "آنها میتوانند قرض بگیرند یا چیزی را به گرو بگذارند و یا اموال غیرمنقول خود را به اجاره بدهند<sup>۶۶</sup>". در نتیجه "آن" سطر بالا باید حذف شود.

ص ۲۷ سطر ۳ از پائین یادداشت ۶۹ است.

ص ۲۸ سطر ۱۱ بجای "کارزاران آزاد و رهن‌کنندگان" "کار کشاورزان آزاد و زارعین اجاره‌دار" آورده شود.

سطر ۶ از پائین بجای "شکل فرمانروائی قبیله‌ای" "مناسبات حاکم قبیله‌ای" را پیشنهاد میکنم.

ص ۳۸ سطر ۹ و ۱۰ جمله بدین طرز اصلاح گردد. "تعداد زیادی قبوض رسید مربوط به

پرداخت مالیات‌های زمینهای تیولی (که در اختیار این تجارتخانه بود) در دست است".

سطر ۴ از پائین "بصورت اجاره" درست است.

سطر ۳ از پائین "اجاره‌بها" یا "مال الاجاره" درست است.

ص ۳۹ سطر ۱ بجای رهن، اجاره درست است.

سطر ۹ - ۴ یک بند است. منظور متن آلمانی اینست که تجارتخانه، موراشریک

مؤسسه، مقاطعه‌کار که مالیاتهای دولت را به مقاطعه می‌گرفته است، نبوده، دانداماف

بطور کلی معتقد است که Steuerpacht یعنی "مقاطعه‌دادن مالیات" در دوره‌ی

هخامنشی مرسوم نبوده است. (نظر مخالف را در تاریخ ایران از دوران باستان تا

پایان سده هجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز ص ۳۱ ملاحظه میکنید) مقاطعه‌ی

مالیات یعنی اینکه دولت به مؤسسه یا شخصی جمع‌آوری مالیاتها را در ازاء

دریافت مبلغ کمتری از میزان مالیات واگذار بکند و مقاطعه‌کار مابه‌التفاوت را سود

ببرد. بنابراین سطر چهار و پنج "دستگاه مقاطعه‌کار مالیاتهای دولتی" و سطر ۹

بجای رهن "مقاطعه‌ی مالیات" باید آورد.

سطر ۱۶ بجای نحمیا (۵ - ۳ و پنج) بهتر است "نحمیا (باب پنجم ۵ - ۳) نوشت.

ص ۴۶ سطر ۳ از پائین غلط چایی! "املاک" است.

سطر آخر خانه شاهنشاه است که معادل Baytā malkā باشد.

ص ۴۹ سطر ۷ از پائین اجاره بجای رهن و اجاره‌بها بجای بهره‌ی رهن.

سطر ۵ از پائین اجاره بجای رهن.

سطر ۴ از پائین اجاره داران کوچک بجای رهن‌کنندگان

ص ۵۱ سطر ۳ از پائین پس از "میپرداختند" واژه دست‌ورز (صنعت‌کار) افتاده است.

سطر ۲ از پائین نیمه‌ی اول اینطور تصحیح شود. "از محل مال الاجاره‌های خود و

یا درآمد زمینهایی که در اجاره داشتند و . . . ."

ص ۵۲ سطر ۲ و ۵ و ۸ بجای واژه کلدانی "خالدی" چاپ شده است که غلط میباشد.

سطر ۱۰ "جاری بود" ترجمه‌ی تحت‌اللفظی است. "واریز میشد" درست است.

سطر ۱۵ بجای بزرگ، کنجد درست است. بزرگ تخم کتان است.